

تحلیل انتقادی تصحیحات و چاپ‌های «دیوان شمس تبریزی»

رحمان مشتاق‌مهر*

چکیده

کلیات شمس، قرن‌ها کتاب محبوب حلقه‌های سماع و اهل ذوق و عرفان و دوستانانِ غزل‌ناب بوده است. نخستین چاپ انتقادی آن در سالهای ۱۳۳۶-۱۳۴۴ به تصحیح استاد فروزانفر منتشر شد. چاپ‌های بعدی، آشکار و پنهان، بر اساس همان چاپ صورت گرفته است؛ بعضی به اهتمام افراد و بعضی با مباشرت ناشر. در کنار این چاپ‌ها تنها چاپ قابل اعتنا، چاپ دو جلدی استاد سبحانی است که در سال ۱۳۸۱ به بازار نشر آمد و با توضیحاتی مفید همراه بود. چاپ فروزانفر با همه امتیازاتش، منتقدانی نیز داشت. از جمله منتقدان آن استاد شفیعی بود که در مقدمه گزیده خود از غزلیات شمس، تصحیح دیگری از آن را ضروری دانست.

آخرین کار شفیعی در این خصوص، گزیده کامل‌تری از آن بود که در سال ۱۳۸۸ انتشار یافت. علی‌رغم انتظار، این‌گزینش، جز چند مورد تصحیح قیاسی کاملاً بر چاپ فروزانفر استوار است.

این مقاله به چند و چون تصحیح فروزانفر از غزلیات، چاپ‌های قبل و بعد از آن و گزیده مفصل شفیعی تنها از منظر نسخه‌شناسی و تصحیح پرداخته است.
کلیدواژه‌ها: مولوی، کلیات شمس، فروزانفر، شفیعی، تصحیح، نسخه خطی

۱. مقدمه

هرگونه مطالعه و تحقیق معتبر درباره نویسندگان و شاعران بزرگ مؤثر در حیات فکری و فرهنگی ملت‌ها، بر اساس آثار به جا مانده از آنها صورت می‌گیرد؛ از این رو،

* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. r.moshtaghmehr@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰

هر اشتباه یا مسامحه‌ای در انتساب اثری - کلی یا جزئی - به یکی از آنان، باعث گمراهی خواننده و پژوهشگری می‌شود که به قصد شناخت درست سبک و هنر یا آموزه‌ها و اندیشه‌های واقعی وی به مطالعه و تحقیق در آثار او می‌پردازد. مشروعیت و مقبولیت تمام تحقیقات مربوط به زندگی، خلاقیت ادبی و هنری و جهان‌بینی و تفکر و اعتقاد و آیین هر کدام از بزرگان قوم، به صحت و دقت مستندات تحقیق وابسته است. هرگاه معلوم شود که منابع و مآخذ استنادات محقق، مخدوش و غیرقابل اطمینان بوده، کل دستاورد تحقیق، بی اعتبار یا از درجه اعتبار آن کاسته می‌شود. مثلاً سیروس شمیسا در بیان حقیقت نمایی در غزلیات مولانا - که البته امری مسلم است - به این غزل او استشهد می‌کند و خطاب و محتوای آن را با شمس مربوط می‌داند (شمیسا ۱۳۷۵، ص ۲۲۶):

شاگرد تو می‌باشم گر کودن و کز پوزم تا زان لب خندانست یک خننده بیاموزم
ای چشمه آگاهی، شاگرد نمی‌خواهی؟ چه حيله کنم تا من خود را به تو در دوزم؟
(مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۱۴۶۳)

و استاد شفیعی کدکنی در توجیه رکاکت و سادگی موضوع بعضی از غزلهای مولانا، از جمله غزلی با مطلع «من سر نخورم که سرگران است / پاچه نخورم که استخوان است» چنین می‌گوید (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸): «ما امروز نمی‌پسندیم و بی‌گمان معاصران مولانا نیز نمی‌پسندیده‌اند که در وسط غزلی حرفهای زشت و رکیک و دشنام‌گونه آورده شود؛ ولی از چنین غزلهایی می‌توان شیوه سرودن او را به خوبی دریافت که چگونه از ساده‌ترین مسایل زندگی به طرف شعر حرکت می‌کرده و در هنگام سرودن شعر به هیچ وجه نمی‌توانسته است احساسات خود را کنترل کند و سدی در برابر آنها قرار دهد؛ حال این سد می‌خواهد سد «اخلاقیات» باشد یا سد سلیقه هنرمندان عصر که چنین بوطیقایی را قطعاً نمی‌پسندیده‌اند».

دو غزلی که مورد استناد این دو استاد قرار گرفته، در سه نسخه بسیار معتبر از دیوان شمس (بنا به قول استاد مینوی ۱۳۸۶، ص ۱۶)؛ یعنی نسخه موزه قونیه (= قو) و نسخه کتابخانه احمدپاشا در شهر ایون قره‌حصار (قح) و نسخه کتابخانه اسعد افندی در استانبول (= عد) ^۱ نیست و طبق نظر سختگیرانه استاد مینوی، هر بیتی که در یکی از این سه نسخه متقدم نباشد از مولوی نیست یا در صحت انتساب آن تردید جدی وجود دارد؛ در این صورت چگونه می‌توان براساس اینگونه غزلهای مشکوک، درباره سبک یا شیوه شاعری مولانا به استدلال پرداخت؟!

با این مقدمه به گزارشی از مهم‌ترین چاپها و تصحیحات کلیات شمس می‌پردازم. تعداد نسخه‌های خطی موجود از کلیات شمس به نسبت با نسخه‌های مثنوی، کمتر است. در فهرست نسخه‌های خطی فارسی استاد احمد منزوی ۷۴ و در کتابشناسی مولوی به تدوین خانم صدیق بهزادی ۶۵ متن کامل از کلیات معرفی شده است (صدیق بهزادی، ۱۳۸۵، صص ۵۲۶-۵۵۰) و این در مقایسه با ۲۰۸ نسخه خطی‌ای که تنها تا پایان قرن نهم شناسایی و معرفی شده است (سبحانی ۱۳۸۶، پنجاه و پنج) ناچیز و معنی‌دار است.

۲. چاپ‌های قبل از تصحیح فروزانفر

قدیم‌ترین چاپهای کلیات که در حدود ۱۲۸۰ هـ ق در ایران یا ۱۸۷۸ م در لکهنوی هند به چاپ رسیده است غالباً مبتنی بر نسخه‌های غیرمعتبر متأخر و مشحون از سروده‌های دیگران است. تا حدود پنجاه سال پیش، غالب چاپهای کلیات، تجدید چاپی از نسخه لکهنوی یا نسخه‌ای بوده که در ایران به کوشش رضا قلی خان هدایت به نام دیوان شمس الحقایق به چاپ رسیده بوده است. هنوز هم چاپهای بازاری و مشتری پسندی از آن، هرچند وقت یک بار، با نام و رنگ و رویی متفاوت به دست عامه خوانندگان می‌رسد. نخستین چاپ نیمه منقح کلیات در ایران که حاصل مطابقت نسبی چاپهای موجود تا آن زمان بود، در سال ۱۳۳۶ توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شد. این چاپ که متضمن شرح حالی از مولانا به قلم استاد فروزانفر و سیری در دیوان شمس علی دشتی بود، در سال ۱۳۴۱ با استفاده از مجلدات منتشر شده کلیات شمس تصحیح فروزانفر مورد تجدید نظر قرار گرفت و در یک جلد حجیم که مشتمل بر ۴۲۰۰۰ بیت (۳۵۰۲ غزل و ۱۹۹۵ رباعی) بود، انتشار یافت. در چاپ بعدی که در سال ۱۳۴۵ صورت گرفت، فرهنگ موجزی نیز بدان ضمیمه شد که البته نسبتی با فرهنگ نوادر لغات چاپ فروزانفر نداشت. نوزدهمین چاپ این کلیات در سال ۱۳۸۵ به بازار نشر آمده است.^۲

۳. تصحیح فروزانفر

استاد فروزانفر که به واسطه مرحوم ادیب نیشابوری (۱۳۴۴-۱۲۸۱ هـ ق) و با غزل «بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست/ بگشای لب که قند فراوانم آرزوست» با غزلیات مولانا آشنایی یافته و با اشتیاق تمام منتخبی از آن را در ضمن مجمع الفصحا به مطالعه گرفته بوده، در نهایت به نسخه‌ای از کلیات شمس چاپ لکهنوی دست می‌یابد و هر از

گاهی از آن باده منصورى جان را نشاط مى‌بخشد تا اینکه در سال ۱۳۱۲ برای تهیه مواد رساله شرح حال مولانا، بار دیگر و این بار به نظر تحقیق و نقد، دیوان را مطالعه می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که «نسخه دیوان چاپ لکهنو ارزش چندانی ندارد و در اشعار اصلی آن، حذف و اضافات ناروا راه یافته و عده بسیاری از غزلیات دیگران در ضمن اشعار اصلی آمده است» (مولوی ۱۳۶۳ مقدمه، صص آ-ب)؛ از این رو، برای دست یافتن به متن اصیل غزلیات، به سراغ نسخه‌های خطی می‌رود و بعد از تحصیل اصل یا عکس ۱۲ نسخه، با دستیاری دو تن از همکاران و دانشجویان خود دکتر حسین کریمان و امیرحسن یزدگردی، تصحیح دیوان را بر مبنای ۹ نسخه قدیم‌تر و معتبرتر آغاز می‌کند. **نسخه‌های مورد استفاده استاد** به معرفی خود ایشان در مقدمه جزو اول کلیات، اینها هستند:

۱. عکس نسخه متعلق به کتابخانه **اسعد افندی** در «سلیمانیه کتابخانه‌سی» در شهر استانبول مشتمل بر ۳۴۸ ورق به خط روشن و پخته که شیوه خط و صحت نسخه و دقت در ضبط کلمات حاکی از آن است که در ربع آخر قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم استنساخ شده است. این نسخه ۱۰/۳۷۲ بیت دارد و با رمز «عد» مشخص شده است.
۲. عکس نسخه متعلق به موزه آثار مولانا در قونیه مشتمل بر ۲۵۲ ورق به خط نسخ روشن و پخته که تاریخ ندارد ولی شیوه خط و دقتی که در ضبط کلمات به کار رفته و صحت کم‌نظیر آن، گواهی عدل است بر این که نزدیک به زمان مولانا و در اواخر قرن هفتم از روی نسخه‌های دست اول کتابت شده است. این نسخه از حیث دقت و صحت بر نسخه «عد» ترجیح دارد و در تصحیح دیوان پس از امعان نظر و دقت و مقایسه سایر نسخ، بر این نسخه، اعتماد کلی حاصل شده است. این نسخه ۱۰/۸۱۰ بیت دارد و رمز آن «قو» است.
۳. نسخه عکسی که اصل آن متعلق است به کتابخانه **چستر بی‌تی**، مشتمل بر ۳۵۹ ورق به خط نسخ متوسط واضح با همان شیوه و اسلوب معمول در کتب قرن هفتم. این نسخه از جهت صحت، درخور اعتماد است؛ هر چند به پای نسخه «قو» نمی‌رسد. این نسخه ۳۸/۱۲۴ بیت دارد و رمز آن «چت» است. برخلاف نظر کاملاً مثبت و تأیید آمیزی که استاد فروزانفر از استاد مینوی راجع به این نسخه نقل کرده‌اند، وی در سخنرانی خود در مجلس بزرگداشت

مولانا، آن را از همان نسخه‌های «اوعی و اجمع» معرفی کرده که دارای مبلغ زیادی غزلهای الحاقی مردود یا مشکوک^۱ فیه است (مینوی، مجتبی ۱۳۸۶، ص ۱۶). دکتر شفیع‌ی نیز از این نسخه با تعبیر نسخه بسیار مهم یاد می‌کند (شفیع‌ی، محمدرضا ۱۳۸۷، ص ۴۷۶)

۴. عکس نسخه محفوظ در موزه قونیه مشتمل بر ۵۲۴ ورق به خط نسخ پخته جلی به همان سبک و شیوه کتابت نسخه‌های مذکور. این نسخه مورخ نیست و به هر صورت تاریخ کتابت آن نباید از ربع اول قرن هشتم متأخر باشد. به همین جهت در بسیاری از موارد ما را به حل مشکلات، رهنمون بوده است. این نسخه ۳۰/۵۳۵ بیت دارد و رمز آن «مق» است.

۵. عکس نسخه متعلق به کتابخانه استانبول مشتمل بر ۳۰۰ ورق به خط نسخ جلی و واضح مورخ به اوایل رمضان ۷۲۳. این نسخه منتخبی از دیوان کبیر و حاوی ۶۶۰ بیت غزل و ۱۹۳۷ رباعی است. به لحاظ منتخب بودنش با رمز «خب» مشخص شده است.

۶. عکس نسخه متعلق به کتابخانه احمد پاشا در شهر افیون قره حصار مشتمل بر ۲۰۲ ورق به خط نسخ بسیار خوب و دقیق که در اوایل رمضان ۷۲۷ به دست کاتب نسخه «خب» استنساخ شده است. این نسخه کامل و بدون نقص و غلط آن کم و نادر است؛ بدین سبب در تصحیح دیوان، مورد اعتماد تمام بوده است. این نسخه ۵/۸۷۶ بیت دارد و رمز آن «قع» است.

۷. عکس نسخه دیگری از همان کتابخانه، مشتمل بر ۲۷۸ ورق به خط نسخ روشن که در ۷۳۰ کتابت آن به پایان رسیده است. این نسخه مشتمل است بر غزلیات از اول حرف «ر» تا آخر حرف «ن». تعداد ابیات آن ۱۰/۷۳۷ بیت و رمز آن «قص» (قره حصار) است.

۸. نسخه عکسی متعلق به کتابخانه حاج محمدآقا نخجوانی که نسخه‌ای است مشتمل بر غزلیات حرف «و» و «ه» و «ی» به خط نسخ متوسط جلی و از حیث صحت و دقت، در خور اعتماد است. تاریخ کتابت ندارد ولی نباید متأخر از اوایل قرن هشتم باشد. این نسخه مدتی در اختیار نگارنده بوده و نسخه ملکی خود را با آن مقابله کرده. رمز آن «خج» است.

۹. نسخه عکسی شامل دو جزو که اصل آن محفوظ است در موزه قونیه مشتمل بر ۶۴۹ صفحه به خط نسخ پخته روشن که در ۷۶۸-۷۷۰ کتابت شده است.

این نسخه از جهت تزیین و تذهیب بر سایر نسخ ترجیح فراوان دارد. این نسخه مرتب است به حسب اوزان و در هر بحر به ترتیب قوافی و چون این نسخه کامل‌ترین نسخ است و عده اشعار آن از همه بیشتر، آن را در استنساخ، مبنای کار قرار دادیم و اضافات سایر نسخ را بر آن افزودیم» (مولوی، ۱۳۶۳، مقدمه فروزانفر ص یج). عکس این نسخه را دکتر فریدون نافذ فراهم نموده. عده این ابیات آن ۴۰/۳۸۰ و رمز آن «فذ» است.

سه نسخه دیگر که هر سه متعلق به خود استاد بوده، به ترتیب در اوایل قرن نهم و قرن دهم و دوازدهم کتابت شده بوده‌اند، به دلیل تازگی نسخ و احتمال تصرف کاتبان از هیچ یک در مقابله دیوان استفاده نشده‌است.

علاوه بر این سه نسخه، بعد از انتشار جزو اول، عکس یک نسخه و بعد از انتشار سه جزو نخست، عکس یک نسخه دیگر نیز به دست استاد رسیده‌است که ایشان درباره آن دو نیز چنین توضیح داده‌اند:

۱. عکس نسخه متعلق به کتابخانه ملی وین (پایتخت اتریش) به خط نستعلیق متوسط مشتمل بر ۷۷۶ صفحه و ۳۵/۲۰۷ بیت. ترتیب غزلیات به حسب ترتیب قوافی است و پس از آن ترجیعات و در آخر رباعیات را نوشته. تاریخ کتابت ۸۴۵ است. به سبب تازگی نسخه در مقابله و تصحیح دیوان از آن استفاده نشد؛ مگر در ترجیح بعضی از نسخ اساس بر یکدیگر آن هم در چند مورد معدود. رمز این نسخه «ین» است. (مولوی ۱۳۶۳ مقدمه جزو دوم)

۲. عکس نسخه خطی مضبوط و مصححی که متعلق بوده به حسن عالی بیک یوجل، از فضلی بنام ترکیه. این نسخه با خط نسخ بسیار روشن و با اختصاصات کتب قدیمه از جهت فرق میانۀ (د و ذ) و یکسان نوشتن (ب و پ) و (ج و چ) و (ز و ژ) نوشته شده و غالب کلمات مشکول است اما شکل آنها به وثاقت و صحت «قو» و «چت» نیست؛ با این همه در اکثر موارد در خور اعتماد تواند بود. این نسخه تاریخ ندارد ولی از سبک خط و نوع کاغذ مسلم می‌گردد که در نیمه اول قرن هشتم استنساخ شده‌است. این نسخه مشتمل است بر ۴۱۴ ورق و ۱۲/۹۲۷ بیت و رمز آن «عل» است. (فروزانفر ← مولوی، جلال الدین ۱۳۶۳، مقدمه جزو چهارم)

در میان ده نسخه‌ای که استاد فروزانفر عملاً در تصحیح از آنها استفاده کرده‌است، سه نسخه «عد»، «قو»، «چت» به اواخر قرن هفتم و بقیه نسخه‌ها جز «فذ» به اوایل قرن

هشتم اختصاص دارند. متأخرترین نسخه از میان ده نسخه، نسخه قونیه است که عکس آن به واسطه آقای فریدون نافذ به دست استاد رسیده و از آن رو رمز «فذ» برای آن انتخاب شده است.

این نسخه به دلیل اینکه از لحاظ کمی کامل تر و عدّه اشعار آن از بقیه نسخ بیشتر بوده، متأسفانه اساس فراهم آوردن متن قرار گرفته و اضافات بقیه نسخ بدان افزوده شده است. البته باید یادآوری کرد که در تصحیح متن ابیات، ضبط اکثر نسخ اساس، معتبر شمرده شده؛ مگر اینکه ضبط یک یا چند نسخه، وجه ترجیحی ثابت و روشن نسبت به اکثر نسخ داشته که در این صورت آن به متن برده شده و ضبط اکثر به پاورقی انتقال یافته است. در موارد تساوی نسخ، ضبط اقدم نسخ مرجح شمرده شده است.

این تصحیح در ترتیب و تدوین غزلیات، به ترتیب آنها در نسخه های خطی که «به حسب اوزان و در هر بحر به ترتیب قوافی» مرتب بوده‌اند، تا حدودی وفادار مانده است؛ بدین معنی که غزلیات به ترتیب حروف قوافی از الف تا یا مرتب و هر حرف به ترتیب بحور [عروضی] از هشت تایی تا شش تایی منظم شده و فروع هر بحری به دنبال بیت اصلی با ملاحظه زحافات آمده است. (مولوی ۱۳۶۳، مقدمه جزو اول)

روشی که استاد در ترتیب هر غزل در بحرهای عروضی پیش گرفته‌اند برای تشخیص آسان تر غزلیات مسلّم و معتبر و غزلیات الحاقی بسیار کارآمد است. بدین معنی که تقدیم و تأخیر غزلیات در هر بحر، با ملاحظه وجود آنها در نسخ خطی صورت گرفته، غزلیاتی که در تمام نسخ موجود بوده‌اند، مقدم بر غزلیات دیگر آمده‌اند و پس از آن به اعتبار وجود آنها در اکثر نسخ، ترتیب یافته‌اند تا غزلیاتی که تنها در یک نسخه ضبط شده بوده‌اند. بدین طریق، درجه قوت و ضعف اسناد یا تعداد نسخه‌های پشتیبان هر غزل، برای خوانندگان روشن می‌شود.

این شیوه تصحیح اگرچه باعث شده مقدار معتنابهی از غزلهای غیر اصیل و الحاقی وارد متن کلیات گردد و تا امروز نه تنها در تلقی عامه خوانندگان، بلکه در شیوه برخورد و گزینش استادان بزرگی مثل شفیع کدکنی نیز غزل مولانا فرض شود، در عین حال به خواننده کمک می‌کند تا با یک تورق و نظر کلی غزلهای اصیل و الحاقی را تشخیص دهد و اگر خواست، در تحقیقات خود، غزلهایی با اسناد ضعیف - غزلهایی با یک یا چند پشتیبان از نسخه‌های کم اعتبار - را نادیده بگیرد.

برای نشان دادن میزان اعتبار و صحت انتساب اشعار تصحیح فروزانفر به مولانا، تعداد غزلها و ابیات این چاپ از جهت نسخه‌های پشتیبان شمارش شده و آمار مندرج در جدول زیر به دست آمده است:

| تعداد نسخه‌های واجد | غزل‌ها و ترجیعات | ابیات |
|---------------------|--------------------|---------------------|
| ۹ | ۷۳ درصد ۲/۲۲ | ۸۷۷ درصد ۲/۴۱ |
| ۸ | ۲۴۸ درصد ۷/۵۶ | ۳۴۴۴ درصد ۹/۴۷ |
| ۷ | ۷۱۱ درصد ۲۱/۶۹ | ۸۵۱۰ درصد ۲۳/۴۰ |
| ۶ | ۱۲۶۸ درصد ۳۸/۶۸ | ۱۳۴۲۰ درصد ۳۶/۹۱ |
| ۵ | ۵۹۷ درصد ۱۸/۲۱ | ۶۳۱۸ درصد ۱۷/۳۷ |
| ۴ | ۴۹ درصد ۱/۴۹ | ۵۲۲ درصد ۱/۴۳ |
| ۳ | - | - |
| ۲ | ۲۲۵ درصد ۶/۸۶ | ۲۰۹۱ درصد ۵/۷۵ |
| ۱ | ۱۰۷ درصد ۳/۲۶ | ۱۱۷۴ درصد ۳/۲۲ |
| | ۳۲۷۸ | ۳۶۳۵۶ |

بایک نگاه به این آمار، معلوم می‌شود که حدود ۷۰ درصد غزلها و ترجیعات و ۷۲ درصد ابیات در بیش از پنج نسخه درج شده‌اند و ۳۰٪ بقیه از پشتیبانی ۵ نسخه یا کمتر برخوردارند. البته در این آمارگیری، اعتبار همه نسخه‌ها در یک سطح ارزیابی شده و قدمت و اعتبار ویژه آنها نادیده گرفته شده است. همچنین حدود ۱۰٪ از غزلیات و ترجیعات و ابیات فقط در یک یا دو نسخه درج شده‌اند که احتمال الحاقی بودن آنها بسیار بیشتر است.

برای اینکه از غزلیات و ترجیعات و ابیات واجد نسخه‌های پشتیبان معتبر و کیفی نیز (البته براساس دیدگاه استاد مجتبی مینوی) آماری به دست دهیم، یک بار دیگر کل غزلها را از جهت اینکه در سه نسخه معتبر «عد»، «قو» و «قح» ثبت شده‌اند یا نه، بررسی می‌کنیم. از نظر مینوی هر غزلی که در یکی از این سه نسخه نباشد، از مولانا نیست و الحاقی است. از میان کل غزلیات و ترجیعات ۱۱۴ غزل و ۳ ترجیع؛ یعنی ۱۵۸۴ بیت در هر سه نسخه و ۳۱۴ غزل و ۱۲ ترجیع؛ یعنی ۴۳۵۲ بیت در دو نسخه و ۱۰۲۵ غزل و ۱۵ ترجیع؛ یعنی ۱۱/۲۳۴ بیت در یکی از این سه نسخه آمده‌است. بنابراین، از دیدگاه مینوی تنها ۱۴۵۳ غزل، ۳۰ ترجیع (۴۴٪) و ۱۷/۱۷۰ بیت (۴۷/۲۲) قطعاً از مولوی است و بیش از پنجاه درصد غزلها و ابیات موجود حداقل مشکوک^۱ فیه است.

برای نمونه، مطلع چند غزل معروف را که در تمام نسخ مورد مراجعه استاد فروزانفر مندرج بوده، ذکر می‌کنیم. در واقع این نوع غزلهاست که باید اساس و ملاک هر گونه تحقیقی راجع به مولوی قرار بگیرد:

| | |
|--|---|
| ای آتشی افروخته در بیشه اندیشه‌ها (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۱) | ای رستخیز ناگهان و ای رحمت بی‌منتها |
| فرو برید ساعدها برای خوب کنعان را (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۵۸) | رسید آن شه، رسید آن شه، بیارایید ایوان را |
| در آ تا خانه هستی بپردازم همین ساعت (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۳۲۴) | در آ تا خرقة قالب دراندازم همین ساعت |
| سرمست همی‌گشت به بازار مرا یافت (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۳۳۰) | بار دگر آن دلبر عیار مرا یافت |
| تا رو نماید مرهمش، کالصبر مفتاح الفرج (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۵۱۹) | ای دل فرو رو در غمش، کالصبر مفتاح الفرج |
| به زیر آن درختی رو که او گل‌های تر دارد (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۵۶۳) | دلا نزد کسی بنشین که او از دل خبر دارد |
| امسال در این خرقة زنگار برآمد (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۶۳۹) | آن سرخ قبایی که چو مه پار برآمد |

هر کدام از غزلهای زیر نیز تنها در یکی از نسخه‌ها (البته غیر از ۳ نسخه بسیار معتبر) هست و به احتمال قریب به یقین الحاقی و سروده دیگران است:

در آب فکن ساقی، بط زاده آبی را
 بشتاب و شتاب اولی مستان شبابی را
 (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۹۱ فذ)

ای هوس‌های دلم باری بیا رویی نما
 ای مراد و حاصلم باری بیا، رویی نما
 (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۱۵۷ مق)

گر تو پنداری به حسن تو نگاری هست، نیست
 و تو پنداری مرا بی تو قراری هست، نیست
 (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۴۰۳ فذ)

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست
 ما به چمن می‌رویم عزم تماشا که راست
 (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۴۷۲ فذ)

بیگاه شد بیگاه شد خورشید اندر چاه شد
 خورشید جان عاشقان در خلوت الله شد
 (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۵۴۲ فذ)

ز رویت دسته گل می‌توان کرد
 ز زلفت شاخ سنبل می‌توان کرد
 (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۶۸۴ فذ)

شب شد و هنگام خلوتگاه شد
 قبلة عشاق روی ماه شد
 (مولوی، کلیات ۱۳۶۳ غ ۸۳۲ فذ)

تصحیح استاد فروزانفر به طور کامل تاکنون دو بار توسط انتشارات دانشگاه تهران (یک بار در قطع رحلی در ۱۳۳۶ - ۱۳۴۲ در ۸ ج و یک بار در قطع وزیری در ۱۳۴۴ در ۱۰ جلد؛ ۹ مجلد) و سه بار توسط انتشارات امیرکبیر (در سالهای ۵۵، ۶۳ و ۷۸) به چاپ رسیده است. از آنجا که این انتشار محدود، جوابگوی خیل عظیم کتابخوانان حرفه‌ای و پژوهندگان و دانشجویان ادبیات فارسی نبود، بعضی از این فرصت استفاده کردند و چاپ فروزانفر را با افزودن مقدمه‌ای کلیشه‌ای و معنی لغات پیش پا افتاده و حرکت‌گذاری برای نشان دادن تلفظ کلمات، تجدید چاپ کرده، نام خود را نیز به عنوان مصحح، ویراستار، گردآورنده و کوشنده بر آن افزودند. بامداد جویباری، پرویز بابایی، مصطفی زمانی نیا، عزیزالله کاسب، جواد اقبال، قاسم میر فصیح، مجتبی مولوی، منصور مددی، محمدرضا تبریزی شیرازی، محمد مهدی پور فاطمی، اردوان بیاتی و هوشنگ رهنما از این دسته‌اند.

همزمان با این چاپ‌ها، علاوه بر کلیات شمس یک جلدی امیرکبیر که قبلاً از آن سخن رفت، چاپهای غیر منتقح در شکل و ظاهر جدید همچنان به چاپ می‌رسید و مشتریان و

خواستاران خاص خود را داشت. کلیات شمس به تصحیح م. درویش (انتشارات جاویدان) و محمد عباسی (طلوع) و منصور مشفق (صفی‌علیشاه) از آن جمله‌اند. در سال ۱۳۷۸ مدّت قانونی سی ساله حق مؤلف بر تصحیح فروزانفر، به پایان رسید^۳ و نشرانی که منتظر فرصتی برای بهره‌مندی از خوان گسترده مولانا و فروزانفر بودند، حتی اندکی زودتر دست به کار شدند و به فاصله یکی دو سال، سی چهل چاپ مختلف یک جلدی و دو جلدی بر مبنای تصحیح فروزانفر منتشر کردند. این چاپها غالباً با توضیح «براساس نسخه فروزانفر» به بازار می‌آمد و نام دیگری غیر از ناشر بر روی جلد نداشت. ربیع، بوستان کتاب، دفتر نشر راد، راستین، نشر افکار، بهزاد، مستوفی، نغمه، سنایی - نشر ثالث، پیمان - دل آگاه، فرادید، پیمان، سیمای دانش، امیر مستعان، زهره، جار، برگ نگار، زارع، سرایش، آبیاری، ارمغان، نشر کانون، همگامان، بهنود، مهتاب، اریحا، بارقه، پورنگ، کاروان دانش، قائد، واژگان، کتاب خوب، ارمغان و مؤسسه انتشارات در دهه هفتاد و هشتاد نشران عمده کلیات شمس بودند.

۴. چاپ تک‌نسخه‌ای توفیق سبحانی

بعد از تصحیح فروزانفر و چاپهای متعدد مبتنی بر آن، تنها متن کاملی که به عنوان تصحیحی متفاوت عرضه شد، چاپ کلیات بر مبنای تک نسخه موزه قونیه (همان متن مبنای فروزانفر از لحاظ جامعیت) به اهتمام استاد توفیق سبحانی بود. در سال ۱۳۸۶ چاپ عکسی نسخه قونیه به مباشرت مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و با نظارت دکتر توفیق سبحانی منتشر شد و بلافاصله نسخه چاپی آن نیز که با عجله فراهم شده بود، به بازار آمد و بعد از پخش کتاب، معلوم شد صدها غلط چاپی و غیر چاپی در آن داخل شده‌است. چنانکه گفته شد نسخه قونیه در میان ۱۰ نسخه اساس فروزانفر، متأخرترین آنها بوده و تنها از جهت جامعیت اشعار بر نسخه‌های دیگر ترجیح داشته‌است. کافی است یادآوری کنم که از میان ۳۵ غزل تک نسخه‌ای که در دو جزو اول چاپ فروزانفر وجود دارد، ۳۲ غزل از نسخه قونیه (فد) نقل شده‌است و این، دلیل بر آن است که در آن نسخه، غزلهایی وجود دارد که هیچ نسخه دیگری انتساب آن را به مولانا تأیید نمی‌کند.

استاد توفیق سبحانی در مقدمه کتاب در بیان اهمیت نسخه قونیه با اندکی مبالغه و چنان سخن گفته‌اند که گویا این نسخه از لحاظ ضبط کلمات نیز مبنای چاپ فروزانفر بوده‌است! از این رو، در مقاله‌ای با طرح صد مورد اختلاف ضبط چاپ فروزانفر و نسخه قونیه، روح ایشان را مخاطب قرار داده و سؤال کرده‌اند که چرا نسخه مصحح ایشان گاهی مغایر با ضبط نسخه قونیه است (توفیق سبحانی، ۱۳۸۶، دیوان کبیر قونیه و کلیات شمس استاد فروزانفر، ادب پژوهی شماره ۲)

توفیق سبحانی که قبلاً در سال ۱۳۸۳ تصحیح فروزانفر را با تعلیقات و توضیحات و ترجمه ابیات عربی منتشر کرده بود، همان حواشی را با تغییرات و تجدید نظر جزئی به چاپ جدید نیز منتقل نموده‌است.

اگرچه زحمت ایشان در قرائت نسخه قونیه و به دست دادن چاپی جدید از کلیات برای پژوهشگران معتنم است، واقع این است که این نسخه هیچ ترجیحی بر نسخه فروزانفر ندارد و اگر در موارد نادری بعضی ضبطهای آن - که غالباً در حواشی چاپ فروزانفر به عنوان نسخه بدل آمده است - بر ضبط مختار فروزانفر ترجیح داشته باشد، منحصر در موارد مذکور در مقاله ایشان است.

همچنین برخلاف اصول چاپ تک نسخه گاهی دیده می‌شود که ایشان شاید ناخودآگاه از نسخه اساس خود عدول نموده و ضبط فروزانفر را بدون هیچ تذکری به متن برده‌اند.

۵. غزلیات شمس تبریز شفیعی کدکنی

استاد شفیعی کدکنی جزو نخستین منتقدان تصحیح فروزانفر بود و سالها پیش در مقدمه خود بر گزیده غزلیات شمس^۴، لزوم تصحیح دوباره آن را خاطر نشان کرد؛ از این رو، در طول این سالها قاطبه علاقه‌مندان مولانا و کسانی که به دقت علمی و ذوق سرشار و شعرشناس شفیعی اعتماد داشتند، منتظر بودند خبر انتشار تصحیح تازه کلیات توسط ایشان را بشنوند ولی آنچه منتشر شد متن توسعه یافته گزیده قبلی ایشان بود. «غزلیات شمس تبریز» اگر چه تصحیح تازه‌ای از غزلیات نیست، به لحاظ ارزش و مقبولیتی که دیدگاههای مؤلف دانشمند آن در جامعه علمی و ادبی ایران دارد، شایسته مطالعه دقیق و نقد و تحلیل است.

در این کتاب دو جلدی ۱۰۶۵ غزل از تصحیح فروزانفر و ۱۰ غزل از غزلهای معروف منسوب به مولانا از نسخه‌های دیگر و ۲۵۰ رباعی انتخاب و تفسیر شده‌است.

نکته‌هایی که در اینجا راجع به این اثر گفته خواهد شد فقط از دیدگاه تصحیح انتقادی غزلهاست؛ نه حواشی و توضیحات ایشان.

دکتر شفیعی ضمن تصریح بر اینکه تصحیح فروزانفر تاکنون درست‌ترین چاپ کلیات است، از ایشان انتقاد کرده‌است که به جای اقدم نسخ، نسخه‌ای را که جامع‌تر و خوش‌خط‌تر بوده، اساس کار خود قرار داده؛ در صورتی که قواعد جهانی تصحیح متن، در اینگونه مواقع، چنین ایجاب می‌کند که از نسخه‌های کهن‌تری که حجم کمتری دارند، به عنوان پایه و اساس کار استفاده شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷ مقدمه ۴۴).

انتقاد شفیعی کاملاً به‌جاست؛ از این رو خواننده انتظار دارد ایشان برای انتخاب غزله‌ها، سراغ غزلهایی بروند که به تأیید نسخه‌های اقدم، مسلماً یا به احتمال بیشتر، از مولاناست؛ در حالی که ایشان حتی غزلهایی را آورده‌اند که برای اثبات استناد آنها به دیگران دلیل اقامه کرده‌اند! پاسخ ایشان به انتظار بر حق خوانندگان، چنین است: آنچه بین اللدّین چاپ استاد فروزانفر بوده است در تعریف ما، دیوان کبیر مولاناست و ما نمی‌خواهیم که در ساختار آن کتاب به تشکیک پردازیم. اگر قرار شود که چنین نقدی عملاً بر آن کتاب وارد شود، شاید ۲۵٪ غزله‌ها حذف شود؛ زیرا به دلایل سبک‌شناسی و قراین نسخه‌شناسی این امر اجمالاً مسلم است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹) وقتی استاد برجسته‌ای اطمینان قطعی یا حتی نسبی دارد بر اینکه غزلی از مولانا نیست، چگونه آن را در کتابی جای می‌دهد که خوانندگان آن را به نام مولانا می‌شناسند و می‌خوانند؟! ممکن است گفته شود که وقتی ایشان در یادداشت خود بر تعلق غزل به شاعری دیگر تصریح می‌کنند، خواننده تکلیف خود را می‌داند ولی این اتفاق فقط در مورد چند غزل افتاده؛ درحالی که مثلاً در میان غزلهای این کتاب ۲۳ غزل تک نسخه‌ای و ۶۳ غزل دونسخه‌ای وجود دارد که به احتمال زیاد از مولانا نیست. از دیدگاهی دیگر، فقط ۴۷۴ غزل (یعنی ۴۴٪) در یکی از سه نسخه معتبر مورد نظر مینوی یعنی «قو، قح، عد» آمده است. در جدول زیر، تعداد غزله‌ها و ابیات «غزلیات شمس تبریز» از جهت نسخه‌های پشتیبان به دقت شمارش و نشان داده شده‌است:

| جمع | یک | دو | سه | چهار | پنج | شش | هفت | هشت | نه | نسخه |
|------|-----|-----|----|------|-----|------|------|------|-----|------|
| ۱۰۶۱ | ۲۳ | ۶۳ | - | ۶ | ۱۲۷ | ۴۰۴ | ۲۷۵ | ۱۲۰ | ۴۳ | غزل |
| ۸۵۸۰ | ۱۷۸ | ۴۶۵ | - | ۳۹ | ۹۸۷ | ۳۱۶۱ | ۲۲۴۱ | ۱۱۲۸ | ۳۸۱ | بیت |

۳ نسخه «قو، قح، عد»

| | سه نسخه | دو نسخه | یک نسخه | جمع |
|-----|---------|---------|---------|------|
| غزل | ۷۳ | ۱۴۳ | ۳۵۸ | ۴۷۴ |
| بیت | ۶۵۲ | ۱۲۸۵ | ۲۹۱۸ | ۵۸۵۵ |

در مقدمه آورده‌اند که: در بسیاری موارد به تصحیح متن پرداخته‌ام که با چاپ استاد فروزانفر تفاوت یافته است و دلایل خویش را در این باره به تفصیل یادآور شده‌ام. بسیاری از شعرها را که نمی‌توانسته‌ام از آن مولانا باشد، خاطرنشان کرده‌ام و دلایل آن را توضیح داده‌ام (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷، ص دوازده). برای اینکه مقدار و مصادیق این موارد بسیار، معلوم شود، آنها را از جلد اول استقصا و استخراج کرده‌ام.

در ۴۸۰ غزل جلد اول فقط ۴ مورد تصحیح قیاسی صورت گرفته است:

۱. من شادمان چون شاه نو، تو جانفرا چون جاه نو
وی در غم تو ماه نو، چون من دو تا آویخته
□ شاه نو (به معنی تازه داماد) در مصراع اول در اصل ماه نو، بوده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹).
۲. اگر این لشکر ما را، ز چشم بد شکست افتد
به امر شاه لشکرها از آن بالا فرو راند
□ فرو راند در اصل فرو آید بوده که با توجه به مغایرت با سایر قوافی به «فرو راند» تبدیل شده است (همان ۳۸۲).
۳. می ده گزافه ساقیا تا گم شود خوف و رجا
گردن بز اندیشه را، ما از کجا، او از کجا!
□ گم شود در اصل کم شود بوده است (همان ۱۷۱۰).
۴. نوح تویی، روح تویی، فاتح و مفتوح تویی
سینه مشروح تویی، پُرڈِرِ اسرار مرا
□ پُر ڈِرِ اسرار در اصل بر در اسرار بوده که به «پُرڈِرِ اسرار» تبدیل شده است (همان ۱۷۵).

و در ۴ مورد نسخه بدل، جایگزین ضبطِ متن شده است:

۱. یا قالب بشکست و بدان دوست رسیدیت
یا دام بشد از کف و از صید جداید
 - بر اساس نسخه قونیه (فذ) «رسیدیت» به جای «رسیدست» در متن نشست است (همان، ص ۴۱۴).
 ۲. برهنگان ره از آفتاب جامه کنند
برهنگان ره عشق را قبا مدهید
 - بر اساس دو نسخه «خَب» و «چَت» کنند در مصراع اول به جای کنید آمده و بر اساس آن بیت چنین معنی شده است: وقتی برهنگان را خورشید قباست، پس برهنگان عشق نیز از خورشید عشق برخوردارند (همان، ص ۵۳۹).
 ۳. چو پر و بال ز تو یافته ست هر مرغی
ز غیر تو به کجا باشدش امید پرید
 - امید پرید به جای امید مرید به متن برده شده و چنین توضیح داده شده است:
□ پرید، مصدر مرخم است؛ ما متن را از نسخه قونیه (نسخه عکسی ص ۱۵۷) نقل کردیم. در نسخه فذ (نافذ پاشا) نیز مانند قونیه است (همان ۵۵۵).
 - این غزل در ۵ نسخه هست و در ۴ نسخه نیست. در یک نسخه (خَب) مزید است و در یک نسخه (فذ) پرید و در سه نسخه دیگر مرید.
- نسخه قونیه‌ای که استاد نسخه عکسی آن را در اختیار داشته و در فهرست منابع مشخصاتش را آورده‌اند، همان نسخه چاپ مؤسسه حکمت و فلسفه؛ یعنی همان نسخه «فذ» است؛ در نتیجه «پرید» فقط در همان یک نسخه است؛ از توضیحی که استاد داده‌اند به نظر می‌رسد که ایشان نسخه عکسی در اختیار خود را غیر از نسخه «فذ» می‌دانسته‌اند!
۴. سلسله جنبان، سلسله جنبان، گشت برادر این دل مجنون
چون بنشورد، چون بنشورد؟ چون مجنون را شد سر ماهش
 - بر اساس نسخه مق به جای کش نشسته است تا یکی از دو «ش» زاید درکش و ماهش حذف شود (همان، ص ۶۶۶).
- علاوه بر ۸ مورد تصحیح قیاسی و ترجیح نسخه بدل، در دو مورد نیز غزلی را به شاعری دیگر نسبت داده‌اند.

۱. غزل معروف «به روز مرگ چو تابوت من روان باشد / گمان مبر که مرا درد این جهان باشد»، با استناد به مقاله‌ای از استاد احمد گلچین معانی (مقاله آل بُنجیر در مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال پنجم، شماره ۲، ص ۲۰۹) به شرف‌الدین عبدالله زکی نسبت داده شده است (شفیعی ۱۳۸۷، ص ۵۳۲)؛ در حالی که این غزل در ۸ نسخه اساس فروزانفر (جز قو) آمده و احتمال انتسابی بودن آن بسیار ضعیف است.

۲. غزل «روی تو به رنگریز کان ماند / زلف تو به نقشبند جان ماند» را که تنها در یک نسخه فذ آمده از سید حسن غزنوی دانسته‌اند و مأخذ آن را در دیوان وی نشان داده‌اند (همان، ص ۴۳۰).

بقیه اظهارنظرها و پیشنهادهای ایشان در باره ضبط متن، منحصر می‌شود به تشکیک در انتساب غزلی تک نسخه‌ای (همان، ص ۵۵۷)؛ تصحیح بیتی بر اساس ضبط بیت در صفوه الصفا (همان، ص ۵۱۷)؛ تشکیک در درستی قافیه بیت بدون پیشنهاد جایگزین (همان، ص ۳۷۷).

در باب بیت:

اسحاق شو در نحر ما، خاموش شو در بحر ما / تا نشکند کشتی تو در گنگ ما در گنگ ما آورده‌اند: □ شاید بتوان از اشاره به نحر اسحاق، در این غزل و بعضی دیگر از غزلیات دیوان شمس پی برد که اینگونه غزلها سروده مولانا نیست؛ زیرا در مثنوی... اسماعیل است نه اسحاق. و از عجایب [اینکه اینگونه غزلها] در نسخه‌های اصیل غزلیات شمس وجود ندارد. نسخه‌هایی از نوع «قو» (قونیه) و «قح» (قره حصار).

از ۷ غزلی که نام اسحاق در آنها آمده (در یکی از غزلها -۲۰۹۲- دو بار آمده) ۳ مورد، ۸ نسخه پشتیبان دارند؛ ۲ مورد ۶ نسخه؛ ۱ مورد ۵ نسخه و ۱ مورد ۲ نسخه؛ از این رو نمی‌توان گفت که این نوع غزلها در نسخه‌های اصیل وجود ندارد. درست تر این است که بگوییم مولانا به هر دو قول به یک اندازه اعتقاد داشته یا اختلاف اقوال را در این موارد با تسامح می‌نگریسته و اصراری در ترجیح یکی از اقوال نشان نداده است.

چند مورد دیگر از اشارات نسخه شناسی استاد را در ذیل بررسی می‌کنیم:

۱. هر کی بالاست مر او را چه غمست هر کی آن جاست مر او را چه غمست

(مولوی، کلیات، غ ۴۳۵)

□ قافیۀ مطلع در نسخه قونیه (ص ۵۳۳) و دیگر نسخه‌ها که مورد مراجعه استاد فروزانفر بوده به همین صورت است. شاید یکی از دو کلمۀ «غم» در قافیۀ «کم» بوده است که یکسان شنیده شده است. (شفیعی: غ ۱۳۰، ص ۲۹۳)

• این غزل تنها در نسخه قونیه وجود دارد، در نتیجه استناد به دیگر نسخه‌ها در مورد آن صحیح نیست.

۲. بازآمدم بازآمدم از پیش آن یار آمدم در من نگر در من نگر بهر تو غمخوار آمدم (مولوی، کلیات، غ ۱۳۹۰)

□ این غزل، به لحاظ سبک، قدری از اسلوب مولانا به دور است و فقط در دو نسخه، آن هم به صورت ناقص نقل شده است. (شفیعی ۱۳۸۷، ص ۷۱۵)

• اگرچه این غزل تنها در دو نسخه «قو» و «چت» آمده است، باید توجه داشت که نسخه «قو» یکی از سه نسخه کهن‌تر و قابل اعتمادتر دیوان کبیر است. استاد فروزانفر راجع به این نسخه (که به شماره ۲۱۱۳ در موزه آثار مولانا در قونیه نگه‌داری می‌شود) چنین نظری داده‌اند: تاریخ [کتابت] ندارد ولی شیوۀ خط و دقتی که در شکل و اثبات حرکت و سکون کلمات به کار رفته و صحت کم نظیر آن گواهی عدل است که نزدیک به زمان مولانا و اواخر قرن هفتم از روی نسخه‌های دست‌اول کتابت شده است (مقدمۀ مصحح، ج اول دیوان ص و) همچنین این نسخه یکی از سه نسخه‌ای است که استاد مجتبی مینوی، معتقد بود هرچه در آن‌ها است از مولانا است و افزون بر آن در دوره‌های بعد به غزلیات مسلّم مولانا افزوده شده است (مینوی، مجتبی: ۱۳۸۶، «لزوم اهتمام در چاپ کردن کتب مولانا به طریق صحیح انتقادی». نامه انجمن. صص ۵-۱۸).

۳. ناآمده سیل تر شدستیم نارفته به دام پای بستیم

(مولوی، کلیات، غ ۱۵۶۹)

□ این غزل سروده مولانا نیست و از آن سلطان ولد فرزند اوست (دیوان سلطان ولد، ۲۵۵). در آنجا تعداد ابیات ۹ بیت است و تخلص ولد هم دارد: با خلق، ولد نمای این را/ کز جوی حدوث چون بجستیم. ضمناً در نسخه‌های معتبر دیوان شمس یعنی «قو»، «قح»، «عد» هم این غزل نیامده است. (شفیعی ۱۳۸۷، ص ۸۲۵)

• باوجود اذعان استاد به این که این غزل از مولانا نیست معلوم نیست که آوردن آن در این گزیده چه وجهی داشته است؟! با عنایت به این که استاد فروزانفر نقل

تمامی اشعار موجود در نسخه‌های مرجع را بر خود فرض می‌دانستند، وجود این نوع غزل‌ها در تصحیح ایشان وجهی دارد ولی برای استاد شفيعی که تنها می‌خواسته‌اند گزیده‌ای از بهترین اشعار مولانا ترتیب دهند، گنج‌اندن غزلی از سلطان ولد در دیوان مولانا چه ضرورتی داشته است؟!

۴. خویش را چون خار دیدم سوی گل بگریختم خویش را چون سرکه دیدم در شکر آمیختم (مولوی، کلیات، غ ۱۵۸۶)

□ این غزل از سلطان ولد فرزند مولانا است و در دیوان او، صفحه ۲۲۷ چاپ استاد سعید نفیسی آمده است با تخلص ولد. ضمناً در نسخه‌های «قو»، «قح»، «عد» (که اصیل‌ترین نسخه‌های دیوان شمس است) این غزل نیامده است. (شفيعی ۱۳۸۷، ص ۸۳۷)

• نقل این غزل نیز بنا به توضیح مذکور در غزل پیش توجیهی ندارد.

۵. اندر دو کون جانا بی تو طرب ندیدم دیدم بسی عجایب چون تو عجب ندیدم (مولوی، کلیات، غ ۱۶۹۰)

□ این غزل که بسیاری از ویژگی‌های سبک شخصی مولانا را در خود دارد، به نام نزاری قهستانی (۷۲۰-۶۴۵) و با تخلص نزاری در بسیاری از نسخه‌های دیوان او دیده می‌شود. نزاری شاعری است وابسته به فرقه اسماعیلیه و سبک شعری او از این اسلوب قدری به دور می‌نماید. در دیوان نزاری، چاپ استاد مظاهر مصفا، جلد ۲ صفحات ۸۰ - ۷۹ هفت بیت از این غزل که در کلیات شمس جمعاً دوازده بیت است، آمده است؛ با این تخلص: **هیئات ای نزاری فضل و ادب رها کن / تا تو ادب بجستی در تو ادب ندیدم**. اگر واقعاً این غزل از نزاری باشد شاید علت ورود آن به دیوان شمس این بیت باشد: **هم شمس و هم قمر تو، هم نور و هم بصر تو / ای مادر و پدر تو جز تو نسب ندیدم**. در کلیات شمس تخلص غزل بدین گونه است: **ای شمس حق تبریز ای اصل اصل جان ها / بی بصره وجودت من یک رطب ندیدم**.

قابل یادآوری است که در نسخه‌های معتبر دیوان شمس یعنی نسخه‌های «قو» (قونیه)، «قح» (قره حصار)، «عد» (اسعد افندی) این غزل دیده نمی‌شود. مشکل اینجاست که قواعد نسخه‌شناسی در اینجا در تعارض با قواعد سبک‌شناسی است. (شفيعی ۱۳۸۷، ص ۸۸۷)

• از موارد پرفایده‌ای است که استاد در آن هم به مأخذ اصلی یکی از غزلیات الحاقی دیوان شمس اشاره کرده‌اند و هم بر اصالت سه نسخه مورد تأکید استاد مینوی صحنه گذاشته‌اند.

۶. جز حریف ظریف نگزینیم با کسان خسان نیامیزیم
(مولوی، کلیات، غ ۱۷۶۶)

□ کسان خسان: جمع آوردن صفت برای موصوف جمع در متون قبل از مولانا، به ویژه در شاعران عصر غزنوی و سلجوقی، امری است رایج و مولانا که زبانی به لحاظ تاریخی بسیار گسترده دارد از کاربردهای قدما سود جسته‌است و شاید هم در لهجه ماوراءالنهری خاندان مولانا این نوع استعمال هنوز باقی بوده‌است.
(شفیعی: غ ۶۵۶، ص ۹۱۲)

• این غزل، در میان نه نسخه مورد مراجعه استاد فروزانفر تنها در نسخه متأخر «فذ» (۷۶۸ - ۷۷۰) وجود دارد و به احتمال نزدیک به یقین از مولانا نیست.

۷. بیا بیا دلدار من دلدار من، درآ درآ در کار من، در کار من
تویی تویی گلزار من، گلزار من، بگو بگو اسرار من، اسرار من (مولوی، کلیات، غ ۱۷۸۵)

□ بعضی از ابیات و مصراع‌های این غزل، به لحاظ عروضی با «مفاعلن» آغاز می‌شود بسیاری دیگر با «مستفعلن» و این از ویژگی‌های موسیقایی غزل‌های مولانا است. ساخت و صورت این غزل نیز در عرف غزل سنتی رایج در میان اهل ادب نیست و قافیه‌بندی و تغییرات قوافی اصلی و قافیه‌های داخلی آن نسبت به دیگر غزل‌ها متفاوت است. (شفیعی ۱۳۸۷، ص ۹۱۸)

• این غزل نیز در میان نه نسخه مرجع استاد فروزانفر تنها در نسخه «قص» (نسخه شماره ۱۵۸۷ مورخ ۷۳۰ در کتابخانه فدک احمدپاشا در شهر افیون قره حصار) موجود است و به احتمال زیاد تقلید یکی از درویشان فرقه مولویه از سبک و لحن غزل‌های مولوی باشد.

۸. بی جا شو در وحدت در عین فنا جا کن هر سر که دوی دارد در گردن ترسا کن
(مولوی، کلیات، غ ۱۸۷۶)

□ لحن این غزل قدری از اسلوب مولانا به دور است و در نسخه‌های «قو»، «قح» و «مق» هم نیامده است. (شفیعی ۱۳۸۷، ص ۹۶۵)

• علی‌رغم این اظهارنظر، در مورد ترکیب «هندو بک» در بیت سوم همین غزل (چون مست ازل گشتی شمشیر ابد بستان/ هندو بک هستی را ترکانه تو یغما کن) آمده است: «هندو بک» کلمه‌ای است که مولانا خود ساخته است. معلوم نیست استنباط کلی سبک‌شناختی از غزل با استناد به نسخه‌های معتبر را باید داوری نهایی استاد فرض کرد یا اشاره او را نسبت به ترکیب «هندو بک» که نسبت غزل را به مولانا تقویت می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

علی‌رغم اینکه از آغاز به چاپ مجلدات کلیات شمس به تصحیح فروزانفر، نزدیک به ۶۰ و از اتمام کار انتشار مجموعه ۱۰ جلدی آن، بیش از ۵۰ سال می‌گذرد، و از همان آغاز انتقاداتی بر آن وارد بوده است، آن چاپ هنوز مرجعیت خود را از دست نداده و هیچ تصحیح و چاپ دیگری جایگزین آن نشده است. افزودن حواشی به متن تصحیح فروزانفر؛ از جمله ترجمه عبارات و ابیات عربی و ترجمه معدود ابیات یا مصراع‌های ترکی و یونانی در تجدید چاپی از تصحیح فروزانفر که به اهتمام توفیق سبحانی منتشر شد، در میان چاپ‌های متعدد مبتنی بر تصحیح فروزانفر گامی به جلو محسوب می‌شد. چاپ بعدی توفیق سبحانی بر مبنای تک نسخه قونیه مورخ ۷۶۸-۷۷۰، علی‌رغم انتظاری که با مطالعه مقدمه کتاب در خواننده ایجاد می‌شود، نسبت به تصحیح فروزانفر ضابط‌های قابل قبول‌تر یا امتیاز دیگری نداشت که ترجیح آن را موجه و مستدل سازد.

از کسانی که برای تکمیل و متمم کار عظیم استاد فروزانفر، صلاحیت انکارناپذیر دارند، استاد شفیع کدکنی است ولی ایشان در آخرین کاری که بر روی کلیات شمس انجام دادند، چنین خواسته و انتظاری را برنیاوردند.

«غزلیات شمس تیریز» از لحاظ حواشی و تعلیقات بسیار سودمند و پرنکته است و همچنان که استاد در ضمن گزارش کار متذکر شده‌اند^۷ حاصل سالها مطالعه دقیق در متون ادبی و عرفانی به صورت نکته‌هایی در تفسیر و توضیح ابیات به کار آمده؛ اما علی‌رغم اشراف و خبرگی ایشان در نسخه‌شناسی از لحاظ تصحیح متن، کار چشمگیری صورت نگرفته است و برخلاف آنچه استاد در مقدمه گفته‌اند متن ایشان با

نسخه مصحح فروزانفر تفاوت چشمگیری ندارد و فراتر از اعمال چند تصحیح قیاسی و جابه‌جایی نسخه‌بدل‌ها با ضبط متن کاری صورت نگرفته است.

پی‌نوشت

۱. رمزهای مربوط به نسخه‌ها از مقدمه استاد فروزانفر بر کلیات شمس برگرفته شده است؛ رک: مولوی، جلال الدین محمد ۱۳۶۳
۲. اطلاعات مربوط به چاپ‌های کلیات از «کتابشناسی مولوی» استخراج و حتی‌الامکان به خود چاپها نیز مراجعه شده است.
۳. «مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود، از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال است» (قانون حمایت حقوق مؤلفان و ...؛ رک: آذرنگ، عبدالحسین ۱۳۷۵ ص ۲۲۴)
۴. «یادآوری این امر ضرورت دارد که به علل بسیاری هنوز جای چاپ انتقادی دیگری از دیوان شمس همچنان خالی است» (شفیعی کدکنی؛ رک: مقدمه مولوی ۱۳۸۵ پاورقی صفحه بیست و نه)
۵. در مقابل توضیحات استاد شفیعی کدکنی علامت □ گذاشته شده است.
۶. این علامت • نشانه توضیحات نگارنده است.
۷. «در هر گوشه ادب و فرهنگ ایرانی و اسلامی نکته‌ای دیده‌ام که در فهم سخن مولانا یاری دهنده باشد، آن را در تفسیر و شرح غزلها و رباعیها آورده‌ام» (شفیعی کدکنی؛ رک: مولوی ۱۳۸۷ صفحه دوازده)

کتاب‌نامه

- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۵). گزیده غزلیات شمس، چاپ هشتم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۷). غزلیات شمس تبریز ج ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۵). سبک‌شناسی شعر، چاپ دوم، تهران: انتشار فردوس
- صدیق بهزادی، ماندانا (۱۳۸۵). کتابشناسی مولوی، چاپ اول از ویراست دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- مولوی جلال الدین محمد بلخی (۱۳۶۳). کلیات شمس تبریزی یا دیوان کبیر، با تصحیحات و حواشی استاد بدیع الزمان فروزانفر، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیر کبیر

مولوی جلال الدین محمد بلخی (۱۳۸۶). دیوان کبیر کلیات شمس تبریزی، بر اساس نسخه معروف به نسخه قونیه، توضیحات، فهرست و کشف الابیات: توفیق هـ سبحانی، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

مولوی جلال الدین محمد بلخی (۱۳۸۶). دیوان کبیر؛ کلیات شمس تبریزی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی موزه مولانا درقونیه، چاپ اول، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران مینوی، مجتبی (۱۳۸۶). لزوم اهتمام در چاپ کردن کتب مولانا به طریق صحیح انتقادی؛ تجدید چاپ سخنرانی استاد در مجلس بزرگداشت مولانا در دانشگاه تهران در ۱۳۵۳، نامه انجمن، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۶

ه. سبحانی، توفیق (۱۳۸۶). دیوان کبیرقونیه و کلیات شمس فروزانفر؛ ادب پژوهی شماره ۲